

پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری فرزندان بر اساس ترتیب تولد و سبک‌های فرزندپروری والدین

اعظم خلعتی^۱

محمدصادق شجاعی^۲

فاطمه سادات موسوی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری فرزندان بر اساس ترتیب تولد و سبک‌های فرزندپروری والدین، به روش توصیفی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را افراد ۱۲ تا ۳۵ سال قمی در سال ۱۴۰۰ و والدین آن‌ها تشکیل می‌دادند که ۱۶۶ نفر (۴۹ نفر مرد و ۱۱۷ نفر زن) به صورت در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری هاریسون گاف (۱۹۸۴) و پرسشنامه فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) استفاده شد. داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی از نوع میانگین، انحراف معیار، فراوانی، ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که سبک مستبدانه ۱۱ درصد و سبک سهل‌گیرانه ۱۶ درصد از واریانس مسئولیت‌پذیری را پیش‌بینی

۱. دانشجوی دکتری قرآن و علوم، گرایش روانشناسی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی وابسته به جامعه المصطفی علیه السلام

العالمیه. قم، ایران. (نویسنده مسئول) 110tasnim110@gmail.com

۲. استادیار جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه. قم، ایران. s.shojaei@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته سطح ۳ تربیت دینی کودک و نوجوان جامعه الزهراء علیه السلام، کارشناس ارشد مشاوره خانواده مؤسسه آموزش

عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران. f.moosavi1374@gmail.com

می‌کند. با وجود رابطه معنادار ترتیب تولد و مسئولیت پذیری، نتایج تحلیل رگرسیون نقش پیش‌بینی‌کننده آن را تأیید نکرد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که آموزش سبک‌های فرزندپروری مطلوب به والدین، می‌تواند در بهبود مسئولیت‌پذیری فرزندان نقش مؤثری داشته باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت‌پذیری، ترتیب تولد، سبک‌های فرزندپروری والدین.

مقدمه

انسان در میان پدیده‌های عالم، تنها موجودی است که دارای اراده و اختیار است.^۱ او می‌تواند برای زندگی خود تصمیم‌گیری کند و مسئولیت‌پذیر باشد که این ویژگی، نشانگر هویتی سالم و بالنده است که از اراده، سرسختی و تاب‌آوری فرد نشأت می‌گیرد و مقاومت او را در برابر شرایط با تبعیت از الزام‌های درونی به جای پیروی از فشارهای بیرونی افزایش می‌دهد (باقری، ۱۳۷۴، ص ۴۴). مسئولیت‌پذیری موجب شناخت فرصت‌ها، موقعیت‌ها و مقاومت در بحران‌ها می‌شود و انگیزه درونی را برای انتخاب رفتاری که هم منافع خود و هم منافع دیگران حفظ شود، تضمین می‌کند (موریس، ۱۳۹۸، ص ۵۹). در مقابل، عدم مسئولیت‌پذیری موجب به خطر افتادن سلامت هویت می‌شود؛ یعنی موجب وقفه در رشد هویت می‌شود و فرد به دلیل شناخت سطحی از زندگی، دیرتر به بلوغ فکری می‌رسد و در نتیجه آمادگی برای مقابله با تکالیف پیچیده بزرگسالی در او ایجاد نمی‌شود (لوین^۲، اسکوارتز^۳ و گروسمن^۴، ۲۰۰۱). مرگلر^۵ و شیلد (۲۰۱۶ و ۲۰۰۷)، مسئولیت‌پذیری را نوعی توانایی نظم دادن به تفکرات، احساسات و رفتار فردی همراه اراده و قدرت انتخابگری خود به عنوان مسئول و پاسخگوی اصلی پیامدهای فردی و اجتماعی رفتار می‌دانند. گلن^۶ و نلسون^۷ (۱۹۸۸) نیز آن را احساس عملی در به‌کارگیری توانایی‌ها و انجام کوشش‌ها در تطابق و سازگاری با مردم تعریف کرده است که عدم پذیرش آن، قانون شکنی و نپذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی تلقی می‌شود. البته مسئولیت‌پذیری یک وظیفه یا تکلیف نیست که فرد موظف به انجام آن باشد؛ بلکه نوعی احساس و حالتی است که توسط فرد برانگیخته می‌شود و دربردارنده پاسخ و واکنشی است که فرد نسبت به نیازهای دیگران به صورت آشکار یا

۱. انسان: ۳: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾.

2. Levin

3. Schwartz

4. Grossman, A

5. Mergler

6. Glenn

7. Nelson

پنهان ابراز می‌کند. این برانگیختگی زمانی ایجاد خواهد شد که دیگران به دلیل نیازهای خود از فرد درخواستی داشته باشند و برانگیختگی فرد به کودکی وی باز می‌گردد؛ زمانی که والدین از وی درخواست‌هایی دارند و او را ملزم به انجام کاری می‌کنند که وظیفه‌اش است. حال برخی والدین با انجام دادن وظایف آنان، مانع بروز احساس مسئولیت‌پذیری در فرزندان می‌شوند. فرزندان چنین والدینی عموماً در برابر امور زندگی بی‌تفاوت و فاقد قدرت تصمیم‌گیری هستند؛ زیرا منبع کنترل این افراد، بیرونی و رفتارهای آن‌ها هیجانی و بدون ثبات است که موجب می‌شود به بحران هویت دچار شوند (آدامز^۱، ۲۰۰۱). سبک فرزندپروری، یکی از مهم‌ترین عواملی است که افزون بر کارکردهایی مانند پرورش نیروی انسانی، تأمین نیازهای عاطفی و سلامت روانی، در افزایش مسئولیت‌پذیری فرزندان نیز مؤثر است.

بردلی^۲ و کالدول^۳ (۱۹۹۵) سبک فرزندپروری را به معنای تنظیم رفتار و رشد کودکان می‌دانند، با این قصد که فرزندان بتوانند زندگی اجتماعی پسندیده‌ای داشته باشند، با محیط اطراف‌شان سازگار شوند و هدف‌هایشان را تعقیب کنند. از نظر بامریند^۴ (۱۹۷۱) که یکی از پیشگامان مطالعه سبک فرزندپروری است، اجتماعی کردن کودک بر اساس خواست جامعه و در عین حال حفظ احساس تمامیت فردی، عنصر کلیدی فرزندپروری است. با توجه به تحقیقات اولیه بامریند، سبک‌های تربیتی والدین به سه نوع «مقتدرانه»، «استبدادی» و «آسان‌گیر» تقسیم می‌شود. در اوایل دهه ۸۰ میلادی، این مدل سه بخشی در حوزه رشد کودکان تثبیت شد. ماکوبی^۵ (۲۰۰۷)، از محققانی هستند که انواع سبک فرزندپروری را بر اساس کار بامریند تهیه، و آن را در دو بُعد طبقه‌بندی کردند: بُعد پاسخ‌گری (گرمی) و بُعد درخواست‌گری (کنترل). بُعد پاسخ‌گری با مهربانی، پذیرش و مراقبت، و بُعد درخواست‌گری با محدودیت، دخالت و نظم مشخص می‌شود که تعامل این دو بُعد با یکدیگر، چهار نوع سبک فرزندپروری را به وجود می‌آورد: «سبک فرزندپروری مقتدرانه (نمرات بالا در هر دو بُعد

1. Adams

2. Bradley

3. Caldwell

4. Baumrind

5. McCoby

درخواست‌گری و پاسخ‌گری)»، «سبک فرزندپروری استبدادی (نمرات بالا در درخواست‌گری و پایین در پاسخ‌گری)»، «سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه (نمرات بالا در پاسخ‌گری و پایین در درخواست‌گری)» و «سبک فرزندپروری غافلانه (نمرات پایین در هر دو بُعد پاسخ‌گری و درخواست‌گری)».

دودمان (۱۳۹۷) در پژوهش «رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان مهر»، دریافت که نتایج این پژوهش می‌تواند اطلاعات مهمی را برای والدین داشته باشد. هر چه والدین با حساسیت و محبت بیشتری به نیازها و انتظارات فرزندان‌شان توجه کنند؛ امنیت روانی، استقلال، توانمندی و پذیرش مسئولیت او افزایش خواهد یافت. والدین در شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی برخلاف شیوه‌های استبدادی و سهل‌گیر، به میزان مطلوبی در امنیت و محبت به فرزندان می‌کوشند؛ بنابراین آن‌ها نیز مسئولیت‌پذیرترند. در پژوهشی که نسلپهان^۱ و مروه^۲ (۲۰۱۸) نیز با عنوان «سبک‌های فرزندپروری والدین به عنوان پیشگویی‌کننده رفتارهای اجتماعی کودکان پیش‌دبستان»، بر روی ۲۷۶ کودک در ترکیه انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که سبک تنبیهی و ملایم، بهترین سبک‌ها برای پیشگویی رفتارهای اجتماعی مثبت یا منفی کودکان هستند که مسئولیت‌پذیری را نیز در بر می‌گیرد.

بی‌تردید سبک‌های فرزندپروری والدین، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد مشکلات رفتاری در کودکان است (داگلاس،^۳ ۱۳۷۶، ص ۱۵۰) و والدین باید با توسل به شیوه‌های منطقی و مسئولانه به کودک اطمینان دهند که دارای ارزش و شأن انسانی است و در روش‌های تربیتی خود نیز این نکته مهم را مد نظر قرار دهند. در منابع اسلامی نیز ضمن اشاره به پیامدهای سبک فرزندپروری ناسالم، بهترین الگوی مطلوب و بهنجار سبک تربیتی، سبک فرزندپروری عاقلانه است (شجاعی، ۱۳۹۹).

به نظر می‌رسد افزون بر سبک فرزندپروری، ترتیب تولد نیز یکی از عواملی است که

1. Neslihan
2. Marwa
3. Douglas

بر مسئولیت‌پذیری فرزندان تأثیر می‌گذارد. ترتیب تولد، اشاره به موقعیت یک کودک در مقایسه با سایر خواهر و برادرهای اوست. آلفرد آدلر، بنیانگذار روان‌شناسی فردی در حوزه شخصیت برای اولین بار این مفهوم را در سال ۱۹۰۸ مطرح کرد. وی معتقد بود صفات و رفتارهای شخصیتی هر فردی از همان دوران کودکی شکل می‌گیرد و تأثیر بسزایی در شکل‌گیری شخصیت کودک در بزرگسالی دارد. وی برای کودکان با رتبه‌های تولدی مختلف، ویژگی‌هایی را بیان کرد؛ مانند اینکه فرزند اول معمولاً تا زمانی که فرزند دوم به دنیا نیامده است، بسیار نازپرورده و مورد توجه والدین است. با تولد فرزند دوم که مرکز توجه بودن از او برداشته می‌شود، احساس عزل می‌کند و رفتارهای مشکل‌داری را از خود نشان می‌دهد. او اغلب گذشته‌نگر و به آینده بدبین است. از آنجا که فرزند دوم همیشه با فرزند اول رقابت می‌کند، به آینده خوشبین‌تر است. رشد فرزند آخر نیز بسیار چشمگیر است؛ زیرا همیشه می‌خواهد از فرزندان بزرگتر پیشی گیرد. تک‌فرزند نیز همیشه مورد توجه ویژه والدین است که اغلب بسیار زود بزرگ و بالیده می‌شود و سریع‌تر به رفتارها و نگرش‌های بزرگسالانه دست می‌یابد (شولتز^۱ و شولتز^۲، ۱۴۰۱، ص ۲۰۷). به دنبال ارائه این نظریه توسط آدلر^۳، تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است. در ایران نیز تحقیقات اندکی صورت گرفته است که ترتیب تولد را در شکل‌گیری شخصیت تأثیرگذار می‌داند.

در پژوهش «ارتباط الگوهای فرزندپروری والدین و ترتیب تولد با اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان آمل» وازپور و همکارانش (۱۳۹۳) نیز بر اساس یافته‌ها مشخص شد که به طور کلی ترتیب تولد پیش‌بینی‌کننده معناداری برای این متغیر نیست و بر اساس نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه، تفاوت معناداری در میزان اهمال‌کاری تحصیلی برای دانش‌آموزان با ترتیب تولد متفاوت مشاهده نشد. علیزاده و شیخ‌زاده صوری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان رابطه بین ترتیب تولد و ویژگی‌های شخصیتی با انگیزش پیشرفت در دانش‌آموزان اول و دوم دبیرستان‌های تبریز، نشان دادند که میان مجموعه

1. Schultz, D

2. Schultz, S

3. Adler

عوامل برون‌گرایی، دلپذیر بودن، با وجدان بودن، روان‌نژندی و انعطاف‌پذیری با انگیزش پیشرفت، ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین مشخص شد که میان فرزندان اول و دوم در زمینه انگیزش پیشرفت و میان فرزندان دوم و سوم به بعد نیز تفاوت معناداری وجود ندارد، اما میان فرزندان اول و سوم به بعد با ۹۵٪ اطمینان، میان نمرات پیشرفت و انگیزش پیشرفت، تفاوت معناداری وجود دارد. قنبری هاشم‌آبادی (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان داد که میان عزت‌نفس و ترتیب تولد، رابطه معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که عزت‌نفس فرزندان آخر بیشتر از فرزندان وسط و عزت‌نفس فرزندان وسط بیشتر از فرزندان اول است. ابراهیمی (۱۳۸۴) نیز در پژوهش دیگری بین انگیزه پیشرفت و ترتیب تولد، رابطه معناداری را کشف کرد.

از سویی با وجود پژوهش‌های پراکنده‌ای که درباره ترتیب تولد و سبک فرزندپروری وجود دارد، اما درباره ارتباط آن‌ها با مسئولیت‌پذیری فرزندان پژوهشی انجام نشده است. از سوی دیگر نیز اوضاع و شرایط اجتماعی، نشان‌دهنده سطح پایین مسئولیت‌پذیری در گروه‌های مختلف سنی است. گویا هر روز سطح مسئولیت‌پذیری در نوجوانان، جوانان و بزرگسالان حتی در سمت‌ها و جایگاه مهم سیاسی و اجتماعی رو به کاهش است. اگر این شرایط ادامه پیدا کند، پیامدهای ناگواری را در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی به همراه خواهد داشت. بنابراین انجام پژوهشی درباره عوامل مؤثر در مسئولیت‌پذیری ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر به بررسی پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری فرزندان بر اساس ترتیب تولد و سبک فرزندپروری والدین پرداخته است.

روش پژوهش

در این تحقیق از روش همبستگی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۶۶ نفر (۴۹ مرد و ۱۱۷ زن)، نوجوانان و جوانان قومی در بازه سنی ۱۲ تا ۳۵ سال و والدین آن‌ها در سال ۱۴۰۰ بود. این افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری هاریسون گاف (۱۹۸۴) و پرسشنامه فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) استفاده شد. سپس داده‌ها با استفاده

از نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند. برای ارزیابی مسئولیت پذیری، از پرسشنامه روان شناختی کالیفرنیا (۱۹۸۷) با ۴۲ سؤال استفاده شده است. این پرسشنامه ابتدا توسط هاریسون گاف در سال ۱۹۵۱، با ۶۴۸ سؤال و ۱۵ مقیاس برای سنجش ۱۵ ویژگی شخصیتی منتشر شد. سپس در سال ۱۹۵۷، مقیاس های آن به ۱۸ افزایش یافت و در سال ۱۹۸۷ تعداد سؤال ها به ۱۶۲ و تعداد خرده مقیاس ها به ۲۰ خرده مقیاس افزایش یافت. مقیاس سنجش مسئولیت پذیری ۴۲ سؤالی برای اندازه گیری ویژگی هایی مانند وظیفه شناسی، احساس تعهد، سخت کوشی، جدیت، قابلیت اعتماد، رفتار مبتنی بر نظم و قوانین و احساس مسئولیت به کار گرفته می شود (مارنات، ۱۳۸۴).

هدف اصلی این پژوهش، تهیه و آزمودنی هایی برای سنجش مسئولیت پذیری افراد پهنجار ۱۲ سال به بالا بوده است. در مطالعه جلالی و همکاران (۱۳۹۴)، روایی محتوایی و صوری این پرسشنامه برای ارزیابی مسئولیت پذیری افراد مناسب ارزیابی شده است. همچنین ضرایب پایایی با استفاده از روش تنصیف و آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۷۰ و ۰/۸۱ در پژوهش عسکری، عنایتی و روشنی (۱۳۹۰) و برابر با ۰/۵۰ و ۰/۵۵ در پژوهش حمیدی و قیطاسی (۱۳۸۹) یافت شده است. پایایی این آزمون با استفاده از روش بازآزمایی، ۰/۸۱ بوده است.

پرسشنامه فرزندپروری بامریند برای بررسی شیوه های فرزندپروری طراحی شده و بر اساس نظریه بامریند در سال ۱۹۹۱، الگوهای رفتاری سهل گیر، سلطه جو و اقتدار طلب را مورد استفاده قرار داده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است که ۱۰ سؤال مربوط به شیوه سهل گیر، ۱۰ سؤال مربوط به شیوه مستبد و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به شیوه قاطع و اطمینان بخش در پرورش فرزندان است. در این پرسشنامه، والدین نظر خود را بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت مشخص می کنند. آزمودنی ها با مطالعه هر سؤال، نظر خود را با علامت x بر اساس یک مقیاس ۵ درجه ای که شامل طیف «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» است، مشخص می کنند. نمره گذاری از ۰ تا ۴ انجام می شود و با جمع نمرات، نمره ای جداگانه برای هر سه شیوه سهل گیر، مستبد و اقتدار منطقی به دست می آید.

روایی این پرسشنامه در ایران توسط نریمانی و همکاران در سال ۱۳۹۵ بررسی و اعتبار قابل قبولی برای آن گزارش شده است. وی از ۱۰ نفر از صاحب نظران روان شناسی و روان پزشکی خواست تا میزان اعتبار هر جمله از پرسشنامه را مشخص کنند و نتیجه نشان داد پرسشنامه دارای اعتبار صوری است. همچنین برای تعیین روایی پرسشنامه، از ۱۲ نفر از مادران جمعیت مورد مطالعه خواسته شد تا پرسشنامه را تکمیل کنند. پس از یک هفته مجدداً همان افراد پرسشنامه را تکمیل کردند و میزان روایی بین ۶۹ تا ۷۷ درصد برآورد شد. در پژوهش کرمی نیز ضریب پایایی این آزمون با استفاده از روش های مختلف محاسبه شد که ۸۳ درصد گزارش شده است. برای سنجش ترتیب تولد فرزندان نیز از آن ها پرسیده شد که فرزند چندم خانواده هستند.

یافته های پژوهش

در بخش آماری استنباطی برای بررسی فرضیه ها و سؤال های پژوهش، از شاخص های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شد که نتایج به دست آمده، در جداول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۱: همبستگی متغیرهای مسئولیت پذیری، سبک های فرزندپروری و ترتیب تولد فرزندان

متغیرها	مسئولیت پذیری	سبک سهل گیرانه	سبک مستبدانه	سبک مقتدرانه
سبک سهل گیرانه	۰٫۲۹۰**	۱		
سبک مستبدانه	۰٫۳۳۴**	-۰٫۲۱۹**	۱	
سبک مقتدرانه	-۰٫۳۲۳**	۰٫۴۵۵**	-۰٫۴۰۹**	۱
ترتیب تولد	-۰٫۲۰۹**	۰٫۱۴۵	-۰٫۳۲۹**	۰٫۳۰۴**

همان گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می کنید، متغیر مسئولیت پذیری و سبک سهل گیرانه در سطح ۰/۲۹- و سبک مقتدرانه در حد ۰/۳۲- و متغیر ترتیب تولد در سطح ۰/۲۰۹- رابطه معنادار منفی دارند. در سوی دیگر متغیر مسئولیت پذیری و سبک مستبدانه، در سطح ۰/۳۳+ رابطه مثبت معنادار دارند.

جدول شماره ۲: پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری فرزندان بر اساس ترتیب تولد و سبک‌های فرزندپروری

گام‌ها	متغیرها	همبستگی چندگانه	مجدور همبستگی چندگانه	همبستگی چندگانه تنظیم شده	خطای فاصله اعتماد	بتا	T	معناداری	دوربین - واتسون
۱	سبک مستبدانه	۰,۳۳۴	۰,۱۱۱	۰,۱۰۶	۵,۵۵۰۵	۰,۳۳۴	۴,۵۳۴	۰	۱,۴۹۳
	سبک مستبدانه، سبک سهل‌گیرانه	۰,۴۰۱	۰,۱۶۱	۰,۱۵۰	۵,۴۱۰۹۲	۰,۲۸۴	۳,۸۶۳	۰	
۲	سبک مستبدانه، سبک سهل‌گیرانه	۰,۴۰۱	۰,۱۶۱	۰,۱۵۰	۵,۴۱۰۹۲	۰,۲۲۷	-۳,۰۹۴	۰,۲	

مسئولیت‌پذیری به عنوان متغیر ملاک و ترتیب تولد و سبک‌های فرزندپروری به عنوان متغیرهای پیش‌بین، وارد معادله رگرسیون شدند. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌کنید، در مرحله اول سبک مستبدانه ۱۱ درصد ($R^2 = .۱۱۱$) و متغیر سبک سهل‌گیرانه ۱۶ درصد ($R^2 = .۱۶۱$) از واریانس مسئولیت‌پذیری را پیش‌بینی می‌کند. همان‌گونه که ضریب معناداری نشان می‌دهد، سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه به صورت معناداری ($p = .۰$) مسئولیت‌پذیری را پیش‌بینی می‌کند. در تفسیر یافته‌ها این‌گونه مطرح می‌شود که با افزایش یک انحراف در نمره سبک مستبدانه، نمره مسئولیت‌پذیری $۰/۳۳$ انحراف استاندارد (مقدار Beta) افزایش خواهد یافت. همچنین با افزایش یک انحراف در نمره سبک سهل‌گیرانه، نمره مسئولیت‌پذیری $۰/۲۸$ انحراف استاندارد (مقدار Beta) افزایش خواهد یافت.

جدول شماره ۳ - تحلیل واریانس یک راهه برای تحلیل رگرسیون

معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مدل	
					رگرسیون	سبک مستبدانه
°	۲۰,۵۵۹	۶۳۳,۳۸۱	۱	۶۳۳,۳۸۱	رگرسیون	سبک مستبدانه
		۳۰,۸۰۸	۱۶۴	۵۰۵۲,۵۲۲	باقی مانده	
			۱۶۵	۵۶۸۵,۹۰۴	کل	
°	۱۵,۶۰۲	۴۵۶,۷۸۹	۲	۹۱۳,۵۷۸	رگرسیون	سبک مستبدانه، سبک سهل‌گیرانه
		۲۹,۲۷۸	۱۶۳	۴۷۷۲,۳۲۶	باقی مانده	
			۱۶۵	۵۶۸۵,۹۰۴	کل	

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌کنید، سطح معناداری تحلیل واریانس برای هر دو گام کمتر از ۰/۰۱ است؛ پس اجرای رگرسیون مناسب بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری فرزندان (۱۲ تا ۳۵ سال) بر اساس ترتیب تولد و سبک‌های فرزندپروری والدین شهر قم انجام گرفته است. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که سبک‌های فرزندپروری می‌توانند مسئولیت‌پذیری فرزندان را پیش‌بینی کنند. این پژوهش با یافته‌های نتایج پیشین (علوی و همکاران، ۱۴۰۰؛ دودمان، ۱۳۹۴؛ سلطان‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴) هماهنگ است. این افراد بر اساس نتایج پژوهش‌های خود بر این باورند که سبک‌های تربیتی و فرزندپروری والدین و نحوه ارتباط والدین با فرزندان، از اساسی‌ترین عوامل تربیتی محسوب می‌شوند (رسولی و همکاران، ۱۳۸۷) و هر خانواده، شیوه‌های خاصی را در آن به کار می‌گیرد که متأثر از عوامل مختلفی همچون عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (هیبتی، ۱۳۸۱). اساساً سبک‌های تربیت فرزند، اعتماد به نفس، استقلال، مدیریت خود، روش‌های مقابله با سختی‌ها و نیز عملکرد درسی، رفتارهای نابهنجار را تحت تأثیر قرار می‌دهند (زمانی و همکاران، ۱۳۹۲).

از دیدگاه روان‌شناسان سبک‌های فرزندپروری به سبک‌های «مقتدر»، «مستبد» و «سهل‌گیر» تقسیم می‌شود که در میان آن‌ها سبک فرزندپروری مقتدرانه، بهترین و کارآمدترین نوع روش‌های تربیتی است. این روش نسبت به سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه و بی‌اعتنا در فرزندان، مهارت‌های اجتماعی و عزت‌نفس آن‌ها را بیشتر تقویت می‌کند و نسبت به دیگر کودکان و نوجوانان امیدوارترند (برک^۱، ۱۳۸۱)، اما والدینی که دو سبک مسامحه‌کار و مستبد را ترکیبی به کار می‌برند، فرزندان‌شان تکانشی و مسئولیت‌ناپذیر هستند و در مدرسه عملکرد ضعیفی دارند (بهرامی احسان و اسلمی، ۱۳۸۸).

در تبیین نتیجه به دست آمده، می‌توان گفت که دو سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه در مسئولیت‌پذیری فرزندان تأثیر معناداری دارد. استینبرگ و همکاران (۱۹۹۴) در پژوهشی بررسی کردند که نوجوانان خانواده‌های مقتدر نسبت به همسالان‌شان که از خانواده‌ای استبدادی سهل‌گیر و یا مسامحه‌گر هستند، از نظر روانی و اجتماعی شایستگی بیشتری دارند. آن‌ها مسئولیت‌پذیر، انطباقی، خلاق، کنجکاو و دارای اعتماد به نفس (خدیوی و همکاران، ۱۴۰۱) و دارای حس مناسب، استقلال فکری و اعتماد به نفس هستند و معنای کنترل را در زندگی‌شان درک می‌کنند (استنبرگ، المان و ماتس،^۲ ۱۹۸۹).

در اسلام نیز سبک‌های سهل‌گیرانه، مستبدانه و بی‌اعتنا مردود است، اما سبک مقتدرانه به سبک فرزندپروری اسلامی نزدیک‌تر است (پرچم، ۱۳۹۱). اگر چه این سبک دارای مزیت‌هایی است، اما پژوهش‌های متعددی نشان داده است که استفاده از این سبک توسط والدین در دو بُعد پذیرش زیاد و کنترل فراوان، مشکل ایجاد می‌کند و دو قطبی بودن، از معایب آن است (بشارت، ۱۳۸۳). در این سبک، والدین اقتدار را همراه نوعی ترس به فرزندان‌شان منتقل می‌کنند و با اصرار در درخواست‌ها و تعیین محدودیت‌ها، در میان آن‌ها فاصله ایجاد می‌شود (پرچم، ۱۳۹۱). در این سبک برخلاف سبک فرزندپروری اسلامی، والدین توجهی به تربیت دینی فرزندان‌شان ندارند و تنها هدف آن‌ها، کنترل کردن و اجتماعی شدن فرزندان است و گاه اقتدار غیرمنطقی آنان، موجب ایجاد احساس طردشدگی، پرخاشگری و افسردگی در فرزندان می‌شود.

1. Burke

2. Steinberg, L., Elmen, J. D., & Mounts, N. S

در سبک فرزندپروری اسلامی، سبک تربیتی والدین بر مبنای توحیدمحوری است. آن‌ها ارزش‌های اخلاقی و مذهبی را به فرزندان‌شان می‌آموزند و بسترهایی را برای تقویت فضایل فردی آماده می‌کنند تا آن‌ها در برابر تمایلات غریزی و یا تأثیرات همسالان انتخاب عاقلانه داشته باشند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۶) و به درجات عالی انسانی و الهی برسند. در این نوع تربیت، والدین کودک را به انجام کارهای خارج از توان یا خلاف اخلاق وادار نمی‌کنند و خود نیز در حضور او اعمال ضد اخلاق را انجام نمی‌دهند. آنان از تشویق و تنبیه به جا استفاده می‌کنند و با خشونت رفتار نمی‌کنند؛ چنانکه امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «هنگام خشم، تأدیبی نیست»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۳، ح ۱۰۵۲۹) و از قهر و به کارگیری تنبیه‌های سخت و طولانی مدت پرهیز می‌کنند^۲ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۴۵). همچنین والدین با توجه به بُعد معنوی انسان می‌کوشند فرزندان را با تقوا و صبور تربیت کنند و مقاومت‌شان را در برابر سختی‌ها و مشکلات افزایش دهند. بنابراین اگر والدین رفتار مسئولانه از فرزندان انتظارات دارند، باید فرزندپروری اسلامی و یا مقتدرانه را در سبک تربیتی خود به کار گیرند.

یافته‌ها نشان داده‌اند که ترتیب تولد می‌تواند تغییرات مسئولیت‌پذیری فرزندان را پیش‌بینی کنند. این یافته با نتایج تحقیقات پیشین (علیپور و پوراکبران، ۱۳۹۴؛ ابراهیمی، ۱۳۸۴) همسوست و پژوهش‌های دیگر (سعیدی و نعمت‌طاوسی، ۱۳۹۵؛ وازپور و همکاران، ۱۳۹۳؛ جعفری و همکاران، ۱۳۸۹) ناهماهنگ است. استدلال این پژوهشگران در تبیین یافته‌هایشان این است که ترتیب تولد، عامل اجتماعی تأثیرگذاری بر شکل‌گیری سبک زندگی در دوران کودکی است. با اینکه خواهر و برادرها والدین واحدی دارند، اما به دلیل تفاوت در نگرش والدین، شرایط یکسانی ندارند و این مسئله شخصیت متفاوتی را در آن‌ها رقم می‌زند (شولتز به نقل از آدلر، ۱۴۰۰). با بررسی منابع اسلامی، موضوعی با عنوان ترتیب تولد به دست نیامد. تنها در احکام فقهی بحث وصیت است که از ترتیب فرزندان سخن به میان آمده است؛ به این نحو که وجوباً

۱. «لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ».

۲. «أَيُّهَا مُسْلِمِيْنَ تَهَاجِرًا فَكُنَّا ثَلَاثًا لَا يَظْلِمُ لِحَاثِ الْإِغَاثَا خَارِجِيْنَ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا وَلايَةٌ فَأَيُّهُمَا سَبَقَ إِلَى كَلَامِ أَخِيهِ كَانَ السَّابِقَ إِلَى الْحَقَّةِ يَوْمَ الْحِسَابِ؛ هر گاه دو مسلمان از هم قهر کنند و سه روز بگذرد و آشتی نکنند، اگر در آن حال از دنیا بروند؛ خارج از اسلام خواهند بود و ولایت و پیوند اخوت اسلامی در میان آن‌ها قطع می‌شود و هنگام آشتی کردن هر کدام پیشی گیرد، او در قیامت برای رفتن به بهشت پیشی خواهد گرفت».

پس از فوت پدر، اولین فرزند پسر ادای نماز و روزه‌های قضا شده وی را بر عهده دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). شاید بتوان گفت این وجوب، از این روست که پسر اول به پدر نزدیک‌تر و معمولاً مسئولیت بیشتری نسبت به او احساس می‌کند. کوین لمون^۱ (۱۳۹۲) نیز در این باره در کتاب ترتیب تولد، معتقد است که فرزندان بزرگ خانواده به واسطه مسئولیت‌های داده شده در خانواده، خود را «نماینده والدین» می‌دانند و معمولاً رفتار ریاست‌محور و کمال‌گرایی بالایی دارند؛ زیرا الگوی آن‌ها در بیشتر کارهایشان، والدین و دیگر بزرگسالان خانواده هستند. از این رو اغلب تلاش می‌کنند تمامی مسئولیت‌های خود را بدون هیچ‌گونه ایراد و اشکالی انجام دهند. بنابراین در دیدگاه دینی هر کودکی با کودک دیگر متفاوت است، اما نه فقط به دلیل ترتیب تولد بلکه به دلیل عوامل مختلفی همچون عوامل قبل از تولد (والدین مقید به حلال و حرام و خصوصیات موروثی) و پس از تولد (سبک فرزندپروری، خواهر و برادرها و معاشرت‌ها و محیط‌های تحصیلی).

پوررضائیان و همکارش (۱۳۹۲) معتقدند پژوهش‌های سان‌ها^۲ و لیان تم^۳ (۲۰۱۱)، هاراکه^۴ و همکاران (۲۰۰۶) و نیز جفرسون^۵ و همکاران (۱۹۹۸) علی‌رغم نظریه آدلر به این نتیجه رسیده‌اند که ترتیب تولد تأثیر چندانی در ویژگی‌های شخصیتی افراد ندارد و موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی و تمایلات پیشین ژنتیکی که نتیجه‌اش تفاوت‌های فردی در شخصیت است، می‌تواند به تفاوت در تجارب و یا تفاوت در پاسخ به تجارب منجر شود. همچنین تفاوت‌های محیطی همچون گروه‌های همسالان متفاوت، در این امر مؤثر است.

با توجه به نتایج متناقض این پژوهش‌ها، نمی‌توان درباره تأثیر تولد در متغیرهای مختلف نتیجه‌گیری قطعی داشت و باید آن را به عنوان بخشی از پژوهش‌های مرتبط در این زمینه تلقی کرد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت مسئولیت‌پذیری، بخش مهمی از هویت آدمی است که دارای سه بُعد «فردی»، «اجتماعی» و «الهی» متناظر بر خود، خلق و خداست.

1. Kevin Lemon
2. Sun Ha
3. Lian Tem
4. arake
5. Jefferson

از این رو در فرهنگ دینی کار و تلاش، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و نتیجه مسئولیت‌پذیری انسان است. خداوند متعال در آیه شریفه ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾ (نجم: ۳۹ و ۴۰)؛ «و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد»، به این مسئله اشاره کرده است. در مقابل، تنبلی و بیکاری مذموم معرفی شده است؛ چنانکه امام کاظم علیه السلام فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ يُبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ الْفَارِغَ» (کلینی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۸۶)؛ خداوند عزوجل بنده پُر خوابِ بیکار را دشمن می‌دارد. چنین فردی مورد لعن الهی قرار گرفته است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كُلَّهُ عَلَى النَّاسِ» (صدوق، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۸)؛ ملعون است ملعون است کسی که بار معاش خود را بر دوش مردم بنهد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز انسان‌هایی را که در غفلت فرو رفته‌اند و در انجام مسئولیت مسامحه می‌کنند، جزء چهارپایان بی‌اختیار دانسته و فرموده است: «ای بی‌خبرانی که آنی مورد غفلت نیستید و ای ترک‌کنندگان فرامین الهی که از تمامی کارهایتان بازخواست می‌شوید، شما را چه شده است که از خدای خود رویگردان و به غیر او گرایش دارید؛ چونان چارپایانی که چوپان آن‌ها را در بیابانی و با خیز و آب‌هایی بیماری‌زا رها کرده است. گوسفندان پروار را می‌مانید که برای چاقوی قصاب آماده‌اند، ولی خودشان نمی‌دانند؛ چه آنکه هر گاه به گوسفندان با مقداری علف نیکی کنند، یک روز خود را یک عمر پندارند و زندگی را در سیر شدن شکم‌ها می‌نگرند» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۷۵، ص ۳۳۰).

تعهد و مسئولیت‌پذیری، مرز میان انسان و حیوان و سرمایه ارزشمند حیاتی است که در بسیاری از موارد، موجب رشد شناختی، اجتماعی، عاطفی و رشد معنوی و تربیتی و معیشتی انسان می‌شود. از این رو شکوفایی حس مسئولیت‌پذیری در انسان، از مهم‌ترین اهداف پرورشی اسلام است؛ آن‌گونه که فرد مسلمان بتواند در هر موقعیتی خود را در مقابل خود مشاهده کند و به انضباط درونی نائل شود (اخلاقی‌بناری، ۱۳۷۸)؛ یعنی ایجاد وجدان‌کاری که با مسئولیت‌پذیری ارتباط تنگاتنگی دارد و فرد به طور خودجوش با تمام تلاش و با حداکثر

۱. «أَيُّهَا النَّاسُ غَيِّرُوا الْمُتَعَمُّولَ عَنْهُمْ وَالتَّارِكُونَ [وَأَلِ التَّأخُّوْذَ مِنْهُمْ، مَا لِي أَرَاكُمْ عَنِ اللَّهِ ذَاهِبِينَ وَإِلَى غَيْرِهِ رَاغِبِينَ! كَأَنَّكُمْ نَعَمَ أَرَاخَ بِهَا سَاءَمٌ إِلَى مَرْعَى وَبَيْنَ وَمَشْرَبٍ دَوِيٍّ، وَإِنَّمَا هِيَ كَالْمُغْلُوفَةِ لِلْمُدَى، لَا تَعْرِفُ مَا ذَا يُرَادُ بِهَا إِذَا أَحْسِنَ إِلَيْهَا، تَحْسَبُ يَوْمَهَا دَهْرَهَا وَتَتَّبِعُهَا أُمَّرَهَا».

توانایی، خود را برای انجام وظایف محوله آماده می‌کند. فرد مسئول کمتر به آرامش خود می‌اندیشد و دیگران از خانواده تا جامعه برایش اهمیت دارند (زنگولی، ۱۳۸۳). در منابع دینی نیز به این ویژگی مهم اشاره شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسم مسلمانی را در توجه و یاری به دیگران دانسته و فرموده است: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۶۳)؛ هر کسی که صبح کند و اهمتامی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست. در حقیقت شناخت خدا و ایمان به او، زمانی در وجود انسان کامل می‌شود که تکلیف‌آفرین و مسئولیت‌خیز باشد؛ وگرنه ایمان بدون عمل، نتیجه‌ای جز خسران نخواهد داشت. بنابراین والدین برای رسیدن به این هدف باید در تربیت خود از سبکی شایسته و جامع پیروی کنند تا بتوانند فرزندان صالح به جامعه تحویل دهند. یزدان‌پناه و حکمت (۱۳۹۷) معتقدند کودک مسئولیت‌پذیری را از والدین، محیط آموزشی و اجتماعی خویش می‌آموزد. بنابراین مسئولیت‌پذیری، امری موروثی نیست؛ بلکه اکتسابی است. والدین با سپردن مسئولیت متناسب با سن به کودک، او را وادار به آزمون و خطا می‌کنند تا به اشتباهات خود پی ببرد و به رشد همه جانبه دست یابد.

از آنجا که اسلام دینی جامع و کامل است، برای تربیت فرزندان سبک‌فرزندپروری مسئولانه را توصیه می‌کند. این سبک بر اساس تقوا و خداترسی والدین است که آنان را از «پوچ‌گرایی» می‌رهاند و موانع مسئولیت‌پذیری یعنی خودخواهی، ضعف اعتقادی و ضعف شخصیتی را کنار می‌زند. والدین، فرزندان را با سبک‌های تربیتی مناسب معتقد به مبدأ و معاد تربیت می‌کنند تا نسبت به همه مردم به‌ویژه محرومان جامعه احساس مسئولیت داشته باشند؛ چنانکه خداوند در قرآن کریم دلیل فداکاری و ایثار اهل بیت علیهم‌السلام را چنین بیان کرده است: «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا» (انسان: ۱۰)؛ «ما از پروردگار خود می‌ترسیم در روزی که آن روز، گرفته و سیاه و دردناک است»؛ یعنی ایمان به معاد، انسان را در برابر محرومان جامعه متعهد پرورش می‌دهد. قرآن کریم ترتیب تولد را عنصر اصلی مسئولیت‌پذیری نمی‌داند؛ بلکه عنصر «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۸)؛ «قوی و درستکاری» یعنی توانایی (تخصص) و امانتداری (تعهد) را برای ایجاد مسئولیت‌پذیری در فرزندان ضروری می‌داند.

فهرست منابع

عربی

۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: اسلامیه.
۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فارسی

۱. ابراهیمی، محمداسماعیل، (۱۳۸۴ش)، «رابطه کانون کنترل، ترتیب تولد، جنسیت و طبقه اجتماعی با انگیزه پیشرفت در دانشجویان ایرانی دانشگاه بین المللی امام خمینی»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی.
۲. اخلاقی بناری، مسعود، (۱۳۷۸ش)، «بررسی تطبیقی اصل مسئولیت و دلالت های تربیتی آن از دیدگاه مکاتب اگزیستانسیالیسم اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم.
۳. انوری، شیرین السادات، (۱۳۷۹ش)، «بررسی رابطه تربیت تولد و ویژگی های شخصیتی در فرزندان دختر شهر تهران»، پایان نامه ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد مرکزی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
۴. باقری، خسرو، (۱۳۷۴ش)، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
۵. بشارت، محمدعلی، (۱۳۸۳ش)، «بررسی رابطه بین کمال گرایی والدین و اضطراب امتحان در دانش آموزان»، فصلنامه علمی پژوهشی روان شناسی و علوم تربیتی، دوره ۳۴، ش ۱، شماره ۳۴، ص ۱۹ - ۱.
۶. بهرامی احسان، هادی و اسلمی، الهه، (۱۳۸۸ش)، «رابطه سازگاری زناشویی و سبک های فرزندپروری والدین با سلامت جسمی و روانی فرزندان»، فصلنامه علمی پژوهشی روان شناسی و علوم تربیتی، ش ۸۲، ص ۶۸-۸۲.
۷. پرچم، اعظم، مریم فاتحی زاده و مریم الهیاری، (۱۳۹۱ش)، «مقایسه سبک های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۰، ش ۱۴، ص ۱۳۸ - ۱۱۵.
۸. پوررضاییان، هدی و مهدی پوررضاییان، (۱۳۹۲ش)، «تأثیر رتبه تولد بر ویژگی های شخصیتی دانشجویان با استفاده از آزمون شخصیتی نئو»، فصلنامه علمی مطالعات روانشناسی بالینی، دوره ۱۱، ش ۳، ص ۲۸ - ۱.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۹۵ش)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محسن غرویان و همکاران، چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامی.
۱۰. جعفری، مصطفی، علی جعفری و الدوز سادات ابوترابی، (۱۳۸۹ش)، «رابطه تیپ های شغلی - شخصیتی نوجوانان دبیرستانی با ترتیب تولد آن ها و مقایسه تیپ ها در نوجوانان دختر و پسر، مشاوره شغلی و سازمانی»، فصلنامه علمی مشاوره شغلی و سازمانی، دوره ۴، ش ۴، ص ۱۵۲ - ۱۳۳.
۱۱. جلالی، داریوش، اصغر آقایی، هوشنگ طالبی و محمدعلی مظاهری، (۱۳۹۴ش)، «مقایسه اثربخشی آموزش شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی بومی شده و آموزش شناختی رفتاری بر نگرش های ناکارآمد و عواطف شغلی کارکنان»، دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، دوره ۵، ش ۱ (پیاپی ۸)، ص ۲۰ - ۱.

۱۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۲ش)، اجوبه الإستفتائات، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۳. حمیدی، فریده و معصومه قیطاسی، (۱۳۹۰ش)، «مقایسه کمال‌گرایی و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان مراکز تربیت معلم شهر اهواز به تفکیک جنس»، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال ششم، ش ۱۸، ص ۱۵۹-۱۸۸.
۱۴. خدیوی، صدیقه، محسن نوغانی و محمد مظلوم خراسانی، (۱۴۰۱ش)، «اشتغال زنان و پایداری خانواده: ارائه یک رهیافت جدید برای حل تعارضات در تحقیقات پیشین»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه زنان، دوره ۱۳، ش ۴، ص ۷۳-۳۷.
۱۵. داگلاس، یو، (۱۳۷۶ش)، اصلاح رفتار کودکان مشکلات رفتاری در کودکان، ترجمه: سیاوش جمال‌فر، تهران: ویرایش.
۱۶. رسولی، محسن، شکوه نوابی نژاد و باقر ثنایی ذاکر، (۱۳۸۷ش)، «رابطه بین الگوهای ارتباط زوج‌های دانشجوی و الگوهای ارتباط والدین آن‌ها»، مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)، دوره ۲، ش ۴، ص ۱۰۰-۸۳.
۱۷. دودمان، پروانه، (۱۳۹۷ش)، «رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان مهر»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی قم، دوره ۱۲، ش ۴، ص ۶۰-۵۱.
۱۸. زمانی، بی‌بی‌عشرت، یاسمین عابدینی و میترا کلانتری، (۱۳۹۲ش)، «پیشرفت تحصیلی، میزان و چگونگی استفاده از اینترنت در دخترها و پسرهای دبیرستانی» فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، دوره ۷، ش ۴، ص ۱۰۱-۸۵.
۱۹. زنگولی، اسداله، (۱۳۸۲ش)، «بررسی روش‌های پرورش حس مسئولیت‌پذیری در نوجوانان»، مجله پیوند، ش ۱۲۲.
۲۰. سعیدی، عباس، (۱۳۹۱ش)، «پویا ساختاری-کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۱، ش ۱، ص ۱۸-۱.
۲۱. سعیدی، فاطمه و محترم نعمت طاوسی، (۱۳۹۵ش)، «مقایسه ترتیب تولد و هوش با تیپ‌های شخصیتی در دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران»، فصلنامه تعالی مشاوره و روان‌درمانی، ش ۲، ص ۶۷-۵۲.
۲۲. سلطان‌نژاد، سمیه، اسماعیل سعدی‌پور و حسن اسدزاده، (۱۳۹۴ش)، «رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با اهمال‌کاری و خودناتوان‌سازی»، فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۱۱، ش ۳۸، ص ۲۲-۱.
۲۳. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، (۱۳۷۶ش)، درآمدی به روان‌شناسی انسان، تهران: آزاده.
۲۴. شولتز، دوان‌پی و شولتز، الن سیدنی (۱۴۰۰ش)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
۲۵. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۰ش)، الامالی، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
۲۶. عسکری، پرویز، میرصلاح‌الدین عنایتی، مانا عسکری و خدیجه روشنی، (۱۳۹۰ش)، «رابطه مسئولیت‌پذیری ریسک‌پذیری و هیجان‌خواهی با تیپ D»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی (اندیشه و رفتار)، دوره ۵، ش ۲۰، ص ۲۴-۱۷.

۲۶. علوی، حسین، محسن لقمانی و سید محمد بنی‌هاشمی، (۱۴۰۰ ش)، «ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین»، دوفصلنامه علمی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ش ۲۳، ص ۵۹-۲۳.
۲۸. علیپور، محسن و الهه پوراکیهان، (۱۳۹۴ ش)، «بررسی رابطه ترتیب تولد و میزان عزت‌نفس در موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور تربت جام»، اولین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران، تهران.
۲۹. علیزاده، اصغر و رعنا شیخ‌زاده صوری، (۱۳۹۲ ش)، «رابطه بین ترتیب تولد و ویژگی‌های شخصیتی با انگیزش پیشرفت در دانش‌آموزان اول و دوم دبیرستان‌های تبریز»، اولین کنگره سراسری روان‌شناسی کودک و نوجوان، تهران.
۳۰. قنبری هاشم‌آبادی، بهرامعلی، (۱۳۸۷ ش)، «بررسی رابطه میزان عزت‌نفس و ترتیب تولد در دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، دوره ۷، ش ۲۶، ص ۱۲۸-۱۱۷.
۳۱. لمون، کوین، (۱۳۹۲ ش)، طالع فرزندان شما یا شخصیت افراد بر حسب ترتیب تولد، ترجمه: هاله گنجوی، تهران: آشیانه کتاب.
۳۲. مارنات، گری گراث، (۱۳۸۴ ش)، راهنمای سنجش روانی، ترجمه: حسن پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو، تهران: رشد.
۳۳. موریس، بالسن، (۱۳۹۸ ش)، والدین آگاه، فرزندان مسئولیت‌پذیر، ترجمه مهدی حاجی‌اسماعیلی، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۳۴. نریمانی، محمد، اصغر پوراسماعیلی و مرتضی عندلیب کورایم، (۱۳۹۵ ش)، «مقایسه سبک‌های فرزندپروری و اختلالات خوردن در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی»، فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه، دوره ۲، ش ۲، ص ۱۵۴-۱۳۸.
۳۵. وازیپور، شبنم، معصومه اسمعیلی، صادق حسن‌نیا و یوسف اعظمی، (۱۳۹۳ ش)، «ارتباط الگوهای فرزندپروری والدین و ترتیب تولد با اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان آمل»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات روان‌شناسی تربیتی، دوره ۱۱، ش ۲۰، ص ۲۱۶-۱۹۷.
۳۶. یزدان‌پناه، لیلا و فاطمه حکمت، (۱۳۹۳ ش)، «بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان)»، فصلنامه علمی مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۸، ش ۲، ص ۱۵۲-۱۲۸.
۳۷. هیبتی، خلیل، (۱۳۸۱ ش)، «بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های شهر زرقان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده روان‌شناسی.

منابع لاتین

1. Adams, G. R., Berzonsky, M. D., & Keating, L. (2006). Psychosocial resources in first-year university students: The role of identity processes and social relationships. *Journal of Youth and Adolescence*, 35(1), 78-88.
2. Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4 (1, Pt.2), 1.
3. Baumrind, D. (1973). The development of instrumental competence through socialization. In A. Pick (Ed.), *Minnesota symposium on child psychology* (Vol. 7, pp. 3-46).
4. Bradley, R. H., & Caldwell, B. M. (1995). 25 years of the HOME inventory: Reflections and prospects. *Developmental Review*, 15(1), 38-85.
5. Glenn, H. S., & Nelson, J. (1988). *Raising self-reliant children in a self-indulgent world*. Three Rivers Press.
6. Levin, P. A., Schwartz, R. L., & Grossman, A. D. (2001). Polymer stability plays an important role in the positional regulation of FtsZ. *Journal of Bacteriology*, 183(18), 5449-5452.
7. Mergler, A., & Shield, P. (2016). Development of the Personal Responsibility Scale for adolescents. *Journal of Adolescence*, 51, 50-57z
8. Mergler, A., Spencer, F. M., & Patton, W. A. (2007). Development of a measure of personal responsibility for adolescents. [Available from the author].
9. Neslihan Salatalı, N., & İmir, M. (2018). Parenting styles as a predictor of the preschool children's social behaviors. *Participatory Educational Research (PER)*, 5(2), 18-37.
10. Steinberg, L., Lamborn, S., Darling, N., Mounts, N., & Dornbusch, S. M. (1994). Over time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Development*, 65, 754-770.